

الهه حسین نژاد به قتل نمی‌رسید، اگر...



این روزها همه درباره قتل الهه حسین‌نژاد صحبت می‌کنند و این پرونده ابعاد گسترده‌ای پیدا کرده است اما از منظر جرم‌شناسی از چند زاویه می‌توان به این پرونده پرداخت.

اول: موقعیت‌شناسی قربانی

زن بودن، تنها سوار شدن و نبود مکانیزم حمایتی هنگام سفر، یکی از عوامل خطر جدی برای قربانی شدن در حمل‌ونقل آنلاین است. بدین نظارت زنده یا سیستم هشدار اضطراری (panic button) باعث شده عامل جنایت احساس کنترل کامل و فرصت ارتکاب جرم پیدا کرده و نسبت به وقوع جرم اقدام کند.

دوم: الگوی جرم‌شناسانه

این پرونده شباهت‌هایی با الگوی killer-opportunist داشته که در آن راننده حق قدرت مطلق در ذهن دارد و چنین تصور می‌کند که قربانی تنهاست، کنترل مسیر با اوست، ردگیری ضعیف بوده پس بنابراین شرایط برای وقوع یک جنایت که مجرم می‌ندارد قابل شناسایی و ردیابی نیست فراهم است.

سوم: راهکارهای پیشگیری

تعبیه دکمه اضطراری داخل اپلیکیشن (اسنپ، تپسی و...) برای مسافر و راننده و الزام ضبط صدا در سفر برای راننده‌ها و قابلیت ضبط دatalogبانه از سوی مسافر و نصب دوربین داخل خودرو و برای سفرهای شبانه یا تک‌سرنشین و هشدار پیشگیرانه در آغاز سفرهای پریسک(مثلاً زن تنها، مسیر خلوت، ساعت نیمه‌شب)

چهارم: آموزش عمومی به مسافران (به‌ویژه زنان)

از جمله اجتناب از سفر تک‌نفره در ساعات خلوت و به اشتراک گذاشتن موقعیت مکانی با خانواده در تمام سفرها.

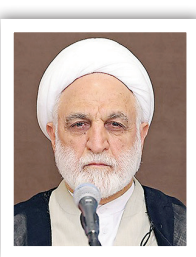
پنجم: نظارت قضایی و شفاف‌سازی پرونده

لازم است کارآگاهان و باز پرس محترم پرونده با بازجویی دقیق درخصوص انگیزه متهم و ممنوعیت رسانه‌ای کردن یک‌طرفه اظهارات متهم بدون احراز واقعیات با بررسی دقیق ابعاد حادثه، نسبت به شناسایی موارد تکرار احتمالی جنایات توسط متهم اقدام کنند.

ششم: اصلاح سیاست جنایی ایران در جرائم علیه زنان
تدوین قانون «پیشگیری از خشونت علیه زنان» با نگاه جامع (حقوقی، اجتماعی، رسانه‌ای) یکی از ضروریات جامعه است. قتل خانم الهه حسین‌نژاد، نشان‌دهنده شکاف جدی در امنیت مسافران در پلتفرم‌های آنلاین و نبود آموزش پیشگیرانه برای زنان و راننده‌ها بوده و خلاهای آشکار در سیاست کیفری ایران برای پیشگیری از خشونت‌های پنهان را نشان می‌دهد.

داخلی

تقدیر قاضی القضات از پلیس



واکنش‌ها به حادثه قتل الهه حسین‌نژاد همچنان ادامه دارد و در تازه‌ترین واکنش رئیس قوه قضاییه از پلیس به‌خاطر کشف پشت پرده این جنایت تقدیر کرد.

به گزارش همشهری،

غلامحسین محسنی اژای، در بخشی از سخنانش در نشست شورای عالی قوه قضاییه به پرونده قتل الهه حسین‌نژاد پرداخت و گفت: مجدداً به خانواده خانم الهه حسین‌نژاد تسلیت عرض می‌کنم. حقیقتاً اتفاق رخ داده تألم‌برانگیز بود. جاداراً در اقدامات فراجا و اداره آگاهی ر شناسایی و دستگیری قاتل به‌رغم وجود سرخ‌های محدود، تشکر کنم. او ادامه داد: در این قضیه، مردم ما بر پایه احساسات دینی و ملی و عواطف انسانی، پیگیر موضوع بودند که این امر از جهاتی، بسیار ارزنده است. با وجود این باید توجه داشت که مبادا در چنین مواقعی، رسانه‌های عمومی، انسان‌رسانه‌ها و حتی خود شهروندان که کاربران شبکه‌های اجتماعی هستند، در دام معاندین بیفتند و ناخواسته، امنیت روانی مردم را مخدوش کنند.

رئیس‌علیه در ادامه به شایعات در این‌باره پرداخت و گفت: نباید اجازه نشر و فراگیر شدن شایعات را در این قضایا داد، چرا که امنیت روانی مردم بدین‌واسطه مخدوش می‌شود. در این قبیل موارد باید توجه داشت که ممکن است فرضیات و یافته‌های اولیه تحقیقات با نتایجی که در ادامه تحقیقات حاصل می‌شود، تفاوت داشته باشد. بنابراین ضمن اینکه باید یافته‌های تحقیقاتی را به دقت برای مردم اطلاع‌رسانی کرد، از نشر شایعات، حدسیات و گمانه‌زنی‌ها نیز پرهیز کرد تا روان مردم دچار تشویش و اضطراب نشود.

رئیس قوه قضایه در ادامه گفت: خطاب به مرجع قضایی ذیربط که پرونده الهه حسین‌نژاد را مورد رسیدگی قرار می‌دهد تأکید شده که در نهایت دقت و سرعت، پرونده مزبور را مورد رسیدگی قرار دهد و وفق قانون متهم محاکمه شود.

کلاهبرداری با ترغند توره‌ای مسافرتی
رئیس پلیس فتای استان فارس از شناسایی فردی خبر داد که با درج آگهی توره‌ای مسافرتی در فضای مجازی از شهروندان کلاهبرداری می‌کرد. سرهنگ امیرحسین سلیمانی گفت: متهم به بهانه محدودیت ظرفیت تور از متقاضیان به‌عبارت دریافت می‌کرد و از این راه ۳۰۰ میلیون تومان کلاهبرداری کرده بود که دستگیر شد.

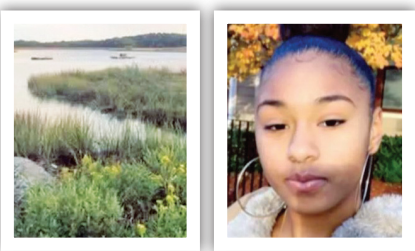


بخشش قاتل ۸ سال پس از قتل
مردی که ۸ سال قبل در جریان درگیری مرد دیگری را به قتل رسانده بود با رضایت اولیای دم بخشیده شد. این جنایت سال ۹۶ در پاسوج اتفاق افتاد و قاتل به قصاص محکوم شده بود اما با تلاش خیران، ریش‌سفیدان، مسئولان قضایی اولیای دم پس از ۸ سال او را بخشیدند و از اجرای حکم قصاص صرف‌نظر کردند.



بسته خبری خارجی

قتل اسرار آمیز ۱۳ نفر در جنگل



با پیدا شدن جسد دختر جوان آمریکایی در منطقه جنگلی دورافتاده‌ای در ایالت ماساچوست شمار قتل‌های اسرار آمیز این منطقه به عدد ۱۳ رسید. این در حالی است که قاتل هنوز شناسایی نشده است. به گزارش همشهری به نقل از سی‌بی‌اس، ظهر یکشنبه گذشته، جسد دختر ۲۱ ساله‌ای به نام آدریانا سوازو در منطقه جنگلی نیوانگلند در ایالت ماساچوست توسط یک رهگذر پیدا شد. این سیزدهمین جسدی است که طی ۴ ماه گذشته در این منطقه پیدا شده است. ماجرای قتل‌های سریالی ماساچوست از چندماه پیش آغاز شد؛ وقتی بقایای اجساد ۶ نفر در مناطق نزدیک به هم در این ایالت پیدا شد. شروز بعد ۴ جسد دیگر نیز در کنار رودخانه نورواک پیدا شد و پس از آن بقایای اجساد ۳ نفر دیگر هم پیدا شد. قربانیان در رده سنی ۲۰ تا ۶۰ سال بودند. در ادامه با کشف جسد سوازا اما قتل‌های مرموز این منطقه به عدد ۱۳ رسید و پلیس هنوز نتوانسته قاتل را دستگیر کند. به گفته پلیس، وجود سر نخ‌ها و نشانه‌های مشترکی بین برخی از این قتل‌ها، نشان می‌دهد که این جنایات سریالی است. جسد سوازو که هیچ‌نشانی از ضرب و شتم در آن دیده نشده، برای بررسی علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شده است. مقامات ماساچوست اعلام کردند که تحقیقات برای پیدا کردن این قاتل سریالی ادامه دارد.

قتل مادر بزرگ به‌خاطر ماشین



پسر جوان که مادر بزرگش را به قتل رساند و ماشینش را دزدید، توسط پلیس دستگیر شد. به گزارش فاکس نیوز، چهارشنبه گذشته، زن ۵۸ ساله‌ای به نام سونیا دتس در خانه‌اش در شهر ممفیس به قتل رسید. جسد غرق در خون او در حالی که یک چکش کنارش بود، توسط دخترش کشف شد. پیدا شدن کوله‌پشتی و ظرف غذایش که هنوز داخل آن بود نشان می‌داد که این زن تازه از سر کار بر گشته بود که احتمالاً به محض ورود به خانه به قتل رسیده بود. وقتی مأموران در جریان این جنایت قرار گرفتند، تحقیقات را آغاز کردند. بررسی‌ها حاکی از آن بود که نوه سونیا به نام کرین ۲۳ ساله، آن روز بر سر گرفتن ماشین مادر بزرگش با او مشاجره کرده و با ضربات چکش، وی را به قتل رسانده و بعد از دزدیدن شورت کامروی مادر بزرگش فرار کرده است. به گفته پلیس، کرین بعد از سرقت ماشین در بین راه با مادرش تماس گرفته و به قتل اعتراف کرده است. در ادامه معلوم شد که قاتل در حال خروج از شهر است و در این شرایط مأموران توانستند او را در یک بزرگراه متوقف کنند و وقتی پلیس از او پرسید میدانی چرا متوقف شده‌ای؟ کرین جواب داد که بله می‌دانم من مادر بزرگم را کشته‌ام. او بعد از دستگیری که به قتل اعتراف کرد و گفت که اخیراً با مادر بزرگش خیلی مشاجره داشت و حتی یک‌بار مادر بزرگش او را از خانه بیرون کرده بود. او توضیح داد: در روز حادثه وقتی مادر بزرگم از سر کار به خانه برگشت از او خواستم ماشینش را به من بدهد تا با دوستانم بیرون بروم که او در خواستم را رد کرد. من نیز خشمگین شدم و از انباری یک چکش برداشتم و او را به قتل رساندم و ماشین را دزدیدم. بدین ترتیب او بازداشت شد و فراتر اسه به‌زودی در دادگاه حاضر شود.

حادثه

تصادف زنجیره‌ای مرگبار در اتوبان ساوه –تهران

تصادف زنجیره‌ای چندین خودرو در اتوبان ساوه – تهران حادثه تلخی را رقم زد و موجب مرگ سرنشین یک خودرو در میان شعله‌های آتش شد. به گزارش همشهری، این حادثه در دقایق اولیه با بمداد دیروز (دوشنبه) در اتوبان ساوه -تهران، بعد از ورودی شهر مامونیه رخ داد. در این حادثه چندین دستگاه خودروی سواری بنا به دلایل نامعلومی یا یکدیگر بر خورد کردند. شدت این تصادف به حدی بود که یکی از خودروها دچار آتش‌سوزی و سرنشین آن داخل خودرو گرفتار شعله‌های آتش شد. دقایقی از وقوع این حادثه می‌گذشت که گروه‌های امداد و نجات خود را به محل وقوع حادثه رساندند و عملیات نجات آغاز شد. علی حافظی، رئیس مرکز اورژانس و فوریت‌های پزشکی ساوه درباره جزئیات این حادثه گفت: به‌دنبال این حادثه بلافاصله ۱۵ دستگاه آمبولانس شامل ۳ آمبولانس از ساوه، ۳ آمبولانس از رزن‌ده و یک آمبولانس از هلال‌احمر به محل اعزام و مصدومان پس از اقدامات اولیه به بیمارستان شهید مدرس منتقل شدند. در این حادثه سرنشین خودرویی که دچار حریق شده بود جان خود را از دست داد و ۴ نفر دیگر نیز مصدوم شدند. او درباره علت این تصادف زنجیره‌ای گفت: هنوز به‌طور مشخص علت این حادثه معلوم نشده، اما تصادف زنجیره‌ای معمولاً به‌دلیل سرعت بالا، نقص فنی خودروها، شرایط جوی نامناسب یا خطای انسانی اتفاق می‌افتد.

۱۰ روز جست‌وجوی امدادگران هلال‌احمر و تیم‌های مردمی و کوهنوردان برای یافتن پزشک ۳۰ ساله ساوجبلاغی که در ارتفاعات طالقان ناپدید شده بود، با پیدا شدن پیکری بی‌جان او خاتمه یافت.

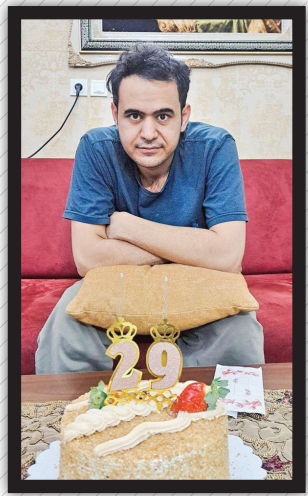
به گزارش همشهری، عصر پنجشنبه ۸ خرداد، دکتر محمد خسروپور، پزشک جوان البرزی بعد از پایشان کارش در یکی از بیمارستان‌های تهران بسوار بر خودرو پرشیای نوک‌مدادی‌اش به‌سوی طالقان در استان البرز به راه افتاد. او طبق عادت همیشگی، آخر هفته را در کوهستان و طبیعت می‌گذراند.

پزشک جوان پنجشنبه‌شب را در دل طبیعت سمر می‌کرد و صبح جمعه به خانه‌اش در هشتگرد نزد خانواده بازمی‌گشت، اما روز جمعه، مادرش هر چه انتظارش را کشید، از او خبری نشد. خانواده پزشک جوان با نگرانی سراسازش از چند نفر گرفتند، اما فایده نداشت. بارها با موبایلش تماس گرفتند، اما در دسترس نبود. در این شرایط بود که پلیس و هلال‌احمر را در جریان گم‌شدن

وی قرار دادند. گم شدن عجیب محمد آغاز عملیات جست‌وجوی ۱۰ روزه برای یافتن او بود. شواهد از این حکایت داشت که پزشک جوان پنجشنبه‌شب را در ارتفاعات طالقان سر کرده و پس از آن ناپدید شده است. حضور نپروهای امداد، گروه غواصی، خانواده و اقوام محمد و ده‌ها نفر از مردم محلی تلاش برای پیدا کردن وی آغاز شد. آنها اطراف طالقان و روستاهای نزدیک آن را گشتند، اما هیچ ردی از محمد به دست نیامد.

سرنخی در کرکوب

حسین خسروپور، پسردایی محمد در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: وقتی اثری از محمد پیدا نشد، از پلیس کمک گرفتیم تا مطمئن شویم اصلاً او به طالقان رفته یا نه. پلیس با بررسی دوربین‌های بزرگراه متوجه شد که او ابتدا به فشنند، روستایی در شمال هشتگرد و از آنجا به طالقان رفته است، اما بعد از آنکه وارد طالقان شده دیگر معلوم نبود که به کدام روستا رفته است. او می‌افزاید: بعد از چندین روز جست‌وجو، درحالی‌که همه روستاهای طالقان را گشته



بودیم و حتی تا نزدیکی مازندران هم پیش رفته بودیم، خودرو پرشیای محمد را در روستای کرکوب طالقان پیدا کردیم. آنجا بود که مطمئن شدیم او به این روستا آمده و از آنجا که می‌دانستیم حتماً به‌سوی آبشار رفته، به آنجا هم رفتیم. منطقه‌ای کوهستانی بنا و دره‌های زیاد؛ با کمک

تیم‌های امدادی و گروه‌های مردمی این منطقه را گشتیم، اما اثری از او نیافتیم.

پایانی تلخ

۱۰ روز از آغاز جست‌وجوها برای یافتن پزشک جوان می‌گذشت و هیچ اثری از او نبود تا اینکه عملیات جست‌وجو با پهباد آغاز شد.

خسروپور می‌گوید: دیگر ناامید شده بودیم و فکر می‌کردیم شاید محمد طعمه حیوانات وحشی شده. با وجود این باز هم تلاش کردیم و این بار از پهباد استفاده کردیم. پهباد را به آسمان اطراف آبشار فرستادیم تا همه منطقه را از بالا رصد کنیم. بعد از مدت کمی ناگهان متوجه یک شیء غیر عادی در رودخانه کرکوب شدیم. چون می‌دانستیم که محمد چه لباسی پوشیده، مطمئن شدیم خودش است. با کمک تیم امداد به این محل رفتیم و پیکر محمد را از آب بیرون آوردیم و بعد به پزشکی قانونی منتقل شد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که پزشک جوان هنگام رفتن به بالای آبشار به دلایلی نامعلوم به پایین سقوط کرده و جانش را از دست داده است.

عمل‌زیبایی جراح فلایی حادثه‌مرگباری را رقم زد

مرگ‌زن میانسال زیرنخ جراح دیپلمه

او در زمانی که در ایران بود تصمیم به عمل زیبایی تخلیه غبغب گرفته و به همین دلیل به کلینیکی در شمال تهران مراجعه کرده بود. اما بعد از جراحی حالش بد شده و در نهایت جان باخته بود. در این شرایط پرونده به دادسرای ویژه جرائم پزشکی ارجاع و به دستور قاضی سعید احمدیگی، سرپرست دادسرا، رسیدگی ویژه به آن آغاز شد.

پزشک فلایی

تحقیقات نشان می‌داد که متوفی از طریق تبلیغات اینستاگرامی با جراح زیبایی آشنا شده بود. پیج این جراح زیبایی نزدیک به یک میلیون نفر فالوور داشت اما وقتی مأموران

برای انجام تحقیقات میدانی، راهی مطب او در شمال تهران شدند، با درهای بسته مواجه شدند و معلوم شد که کارکنان آنجا، شبانه مطب را تخلیه کرده و فراری شده‌اند. در ادامه ابعاد هولناکی از این ماجرا فاش شد. مردی که خود را پزشک جراح معرفی کرده بود، جراح فلایی بود. او تا دیپلم بیشتر درس نخوانده بود و با این حال کلینیک مجلل و لوکسی در شمال تهران راه‌اندازی کرده و با تبلیغات گسترده اقدام به فریب افراد می‌کرد.

پایان طبابت دکتر کارمان

با کشف این شواهد دستور بازداشت پزشک فلایی صادر شد. این در حالی بود که او از

علاقه عجیب یک تبهکار به علم پزشکی

متهم مجرمی سابقه‌دار است که ۲ سابقه

کیفری در پرونده‌اش دارد. او نه تنها پزشک نیست بلکه تا دیپلم بیشتر درس نخوانده و مدت‌هاست که با دایر کردن یک کلینیک زیبایی، پول کلانی به جیب زده است. او اما مدعی است که گرچه تحصیلات ندارد اما تجربه‌اش در جراحی زیبایی بالاست.

چطور توانستی با جان آدم‌ها بازی کنی؟

من به کسی آسیب نرساندم.

اما زن میانسالی که مادر ۴ فرزند بوده، فوت شده است؟

به خاطر جراحی نیست. حدس من این است که بدنش بعد از جراحی، به داروهایی که مصرف کرده، حساسیت نشان داده است.

یعنی درباره داروها و جراحی تخصص داری؟

درست است که تحصیلات پزشکی ندارم اما تجربه من از ۱۰۰ تا پزشک متخصص بیشتر است. چون سال‌هاست که دارم به‌صورت تجربی، کار می‌کنم و علاوه بر این مطالعات زیادی در این زمینه دارم. تا دلتان بخواد کتاب در این زمینه خوانده‌ام و خیلی نابغه‌ام.

تو که خودت را نبغه می‌دانی، چرا درس نخواندی؟

چون سال‌ها باید عمرم را در دانشگاه هدر می‌دادم!

اما پرونده‌ات نشان می‌دهد که سابقه‌دار هم هستی؟

یک سابقه حمل سلاح دارم. سابقه دیگرم هم دایر کردن



چون به من گفت حال مادرش بد است. راستش را بخواهید ترسیدم. با او تماس گرفتم تا از حال و روز مادرش با خبر شوم. اما انگار به دلم

افتاد که نکند او جان‌ش را از دست

بدهد و پلیس دستگیر

کند. به همین دلیل

شبانه مطب را تخلیه و

فرار کردم. در نهایت

اما پلیس ردم را زد و

دستگیر شد.

سرنوشت غم‌انگیز پزشک گمشده